رئیس شورایعالی سازمان نظام پرستاری در گفت‌وگو با «شهروند»:

خشونت کلامی و فیزیکی علیه پرستاران نگران کننده است

گفت‌وگوی شهروند با دو پرستار مصدوم بیمارستان مدرس ساوه: ۱۵ نفر با چاقو به ما حمله کردند؛ همراه بیمار نباید وارد اورژانس شود

عکس: سعید فرابخش‌مصمی/ شهروند

شهروند| پرستاران خط مقدم هستند. درست همان جایی قرار دارند که اگر پزشکی دبر از راه رسید، آمبولانسی معطل کرد، دستگاهی خوب کار نکرد، تختی خالی نبود، ملافه‌ای تمیز نبود یا حتی بیمار دردی داشت، باید بایستند و پاسخ دهند. آنها باید پاسخگوی تمام اتفاقاتی که در بخش‌ها و اورژانس‌ها رخ می‌دهد، باشند. پرستاران از خشونت‌های کلامی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی گلایه زیاد دارند. دبیر کل خانه پرستار می‌گوید که ۹۰ درصد پرستاران در معرض خشونت کلامی قرار دارند. اما همه ماجرا با حرف و اعتراض‌های کلامی تمام نمی‌شود، آنها در معرض انواع خشونت‌های فیزیکی هم قرار می‌گیرند. خشونت‌هایی که به گفته محمد شریفی‌مقدم، ۳۰ درصد پرستاران را در گیر می‌کند. ماجرای پرستار یاسوجی که با ضربه پنجه‌بوکس بیماری، نابینا شد، یا پرستار مشهدی که با مشت بیمار، بینی‌اش شکست، تنها نمونه‌ای از این اتفاقات است. کمبود پرستار، شلوغی اورژانس‌ها و بیمارستان‌ها، حضور گاه و بیگاه نیروهای حفاظتی و... آنها را در جایگاه متهم ردیف اول قرار داده. جدیدترین خشونت فیزیکی علیه پرستاران در بیمارستان شهید مدرس شهرستان ساوه رخ داده، زمانی که حدود ۱۵ نفر که بیمار و همراهانشان بودند، به ۴ پرستار اورژانس بیمارستان حمله کرده و یکی شان را با چاقو مصدوم و دیگری را با مشت و لگد زخمی کردند.

دوازدهم فروردین ماه بود که این اتفاق در اورژانس بیمارستان مدرس ساوه رخ داد. یکی از این پرستاران از ناحیه پا و دیگری از ناحیه گردن مورد اصابت چاقو و مشت و لگدهای دو بیمار و همراهانشان قرار گرفتند. این دو پرستار ماجرای حمله شبانه به اورژانس بیمارستان را در گفت‌وگو با «شهروند» روایت کردند. یکی از آنها بهرام سیدی است، او ۷ سالی می‌شود که در اورژانس بیمارستان شهید مدرس ساوه، مشغول به کار است، او ماجرای شب دوازدهم فروردین ماه را توضیح می‌دهد. «ساعت حدود ۱۱ شب بود که دو مرد جوان ۳۴،۳۳ ساله وارد اورژانس بیمارستان شدند. هر دو نفر آنها در یک درگیری با چاقو مصدوم شده بودند، اما اصابتشان عمیق نبود، یکی از ناحیه دست و دیگری از قسمت گردن. چاقو خورده بودند، به محض پذیرش، کارهای اولیه برای درمان آنها انجام شد، یعنی محل اصابت شستشو داده شد و منتظر ماندند تا جراح اورژانس از اتاق عمل بیرون بیاید و برایشان بخیه بزند.» او ادامه می‌دهد: «از شب اورژانس خیلی شلوغ بود و قبل از ورود این دو نفر، ۴ بیمار سکته قلبی و دو نفر که یکی از آنها ۳۶ ضربه چاقو خورده بود و دیگری ۶ ضربه، پذیرش شده بودند و جراح اورژانس در اتاق عمل مشغول درمان و بخیه آن دو نفر بود.» این پرستار به این موضوع اشاره می‌کند که بیماران قبلی در اولویت درمان قرار داشتند. چرا که اصابت دو مراجعه‌کننده جدید، خیلی شدید نبود و می‌توانستند منتظر بمانند. اما آنها پس از دقایقی به خاطر معطلی، عصبانی شده و داد و فریاد کردند. سیدی این گونه ادامه می‌دهد: «ما سعی در آرام کردن این دو نفر داشتیم، اما یکی از آنها به پرستار زن بخش ناسزای بدی گفت و از همان جا هم درگیری شروع شد. ما سعی در آرام کردن آنها و توضیح شرایط داشتیم اما ناگهان همین دو مصدوم با نزدیک به ۱۳،۱۲ نفر از همراهانشان، به سمت ما حمله کردند. همه آنها هم ظاهری خلاف داشتند به نظر می‌رسید که مست کرده و شرایط عادی نداشتند.» سیدی ادامه می‌دهد: «اورژانس بیمارستان ۴ پرستار دارد، دو نفر از آنها زن هستند که به محض این اتفاق از اورژانس خارج شدند، پزشک اورژانس و منشی هم با ملافه از سالن بیرون رفتند و فقط من و همکارم ماندیم، همراهان آن دو بیمار اول با مشت و لگد به سمت ما حمله کردند و در ادامه هم چاقوکشی کردند.» به گفته او، در این بیمارستان همیشه نیروی انتظامی مستقر است اما در تعطیلات نوروزی به خاطر حجم بالای ماموریت‌ها، پلیس مستقر نمی‌شود، آن شب هم که این اتفاق افتاد، پلیس حضور نداشت، اما تمام اتفاقات در حضور رئیس بیمارستان که به اورژانس آمده بود رخ داد. سیدی می‌گوید: «همراهان آن دو بیمار روی استیشن پذیرش که یک متری ارتفاع دارد رفته و با مشت و لگد، به سمت من حمله کردند و پشت گردنم را چنگ زدند که به شدت مجروحم کرد، یکی دیگر از آنها هم به همکارم حمله کرد و با چاقو پایش را مجروح و بعد هم فرار کرد. پس از این اتفاق درهای بیمارستان بسته شد و با وساطت، بیماران دیگر و همراهان آنها و نگهبان بیمارستان، درنهایت درگیری تمام شد و بیمارستان هم از آنها شکایت کرد.» گلایه این پرستار اما از این است که روز بعد از این اتفاق رئیس بیمارستان شکایتش را پس گرفت. دلیلش را هم وارد نشدن هیچ خسارتی به بیمارستان اعلام کرد. سیدی می‌گوید: «رئیس بیمارستان به ما گفت که اگر می‌خواهیم خودمان به صورت شخصی باید شکایت کنیم، ما هم ایست کار را کردیم، البته پس از این اتفاق پرونده در نیروی انتظامی شهرستان تشکیل شد، اما کسی که با چاقو حمله کرد، هنوز فراری است، همراهان آن دو بیمار هم در این مدت با فرستادن اقوام و دوستان و آشناهایشان، به بیمارستان، خواستار پس گرفتن شکایت شدند.»

> **شرایطی ایجادشده که هر معطلی یا کم‌کاری سایر پرسنل بیمارستان، از چشم پرستاران دیده می‌شود و بیماران و همراهانشان، همیشه ما را می‌بینند که اعتراض و برخورد می‌کنند**

حسین شاهدبافی، پرستار دیگری است که دوازدهم فروردین ماه مصدوم شد و درباره ماجرای آن شب و اصابتش به «شهروند» می‌گوید: «آن شب من در ورودی استیشن پذیرش اورژانس ایستاده بودم و سایر پرسنل پشت من بودند، به همین خاطر همراهان آن دو بیمار به من حمله کردند، یکی از آنها مرا به زمین انداخت و با چاقو می‌خواست به سینه و گردنم بزند، اما خودم را که بالا کشیدم، چاقو را وارد پشت راننی پای راستم کرد که حدود ۷ سانت پاره شد. بعد هم بلافاصله فرار کرد.» او می‌گوید که: «آن دو نفر مصدوم، یکی از ناحیه کف دست و دیگری از ناحیه سر چاقو خورده بود، اما اصابت سنگینی نداشتند که این همه هیاهو به پا کردند.» شاهدبافی ۲۳ ساله که دانشجوی رشته پرستاری است و دو سالی می‌شود در این بیمارستان مشغول به کار است، ادامه می‌دهد: «من از ترم سه دانشگاه، در این بیمارستان مشغول به کارم، در این مدت هم خیلی از این اتفاق‌ها در این بیمارستان رخ داده، خیلی وقت‌ها بیماران یا همراهانشان، با ما درگیری فیزیکی و کلامی پیدا می‌کنند.» سیدی هم به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید که: «پیش از این هم یکی از بیماران، از روی تخت اورژانس با لگد به دهانم زد و لبم را پاره کرد.» این پرستار ۳۱ ساله می‌گوید که: «همان دو مصدوم یا همه این اتفاق‌ها، ساعت دو بامداد، جلوی در بیمارستان، درمان شدند و جای زخمشان بخیه زده شد. اما در لحظه درگیری که حدود ۱۰ دقیقه طول کشید، به هیچ بیماری رسیدگی نشد.» سیدی، معتقد است که نباید همراه بیمار وارد اورژانس شود. درست مانند سایر بخش‌های مهم بیمارستان. «ورود همراه بیمار به اورژانس این مسائل را همراه دارد، چرا که او دچار استرس می‌شود و در کار ما اختلال ایجاد می‌کند، بهتر است که آنها به‌طور مستقیم در جریان روند درمان نباشند. درست مثل بخش‌های ویژه بیمارستان که فقط بیمار وارد می‌شود. متاسفانه شرایطی ایجاد شده که هر معطلی یا کم‌کاری سایر پرسنل بیمارستان، از چشم پرستاران دیده می‌شود و بیماران و همراهانشان، همیشه ما را می‌بینند که اعتراض و برخورد می‌کنند.» او استقرار همیشگی نیروی انتظامی و نصب دوربین مداربسته را یکی از راهکارهای کاهش خشونت در بیمارستان می‌داند. «باید ورود و خروج بیماران و همراهانشان در بیمارستان کنترل شود، پلیس هم باید حضور ۲۴ ساعته داشته باشد و امنیت مکان را برقرار می‌کند، چرا که هر لحظه ممکن است اتفاقی رخ دهد.» او می‌گوید: «هر وقت متخصص در بر بالین بیمار می‌رسد یا امکاناتی در دسترس نیست، یا آمبولانس دیر می‌رسد، این پرستار است که باید پاسخگو باشد.»

یعقوب جعفری، رئیس شورایعالی سازمان نظام پرستاری، از خشونت‌های فیزیکی و کلامی که علیه پرستاران رخ می‌دهد، انتقاد می‌کند با این حال به «شهروند» می‌گوید: «شرایط اورژانس‌ها فضا را برای رخداد این اتفاق‌ها ایجاد می‌کند، بیماران عمدتا شرایط خوبی ندارند و واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند، دیر رسیدن پزشکان یا کمبود پرستار، معمولا منجر به چنین درگیری‌هایی می‌شود، چرا که بیماران به‌طور مستقیم با پرستاران در ارتباط هستند.» او ادامه می‌دهد: «البته پزشکان هم در معرض چنین خشونت‌هایی قرار می‌گیرند اما بیش از همه پرستاران هستند که آسیب می‌بینند. به همین خاطر باید گفت که بخشی از این خشونت‌ها به خاطر کم‌کاری گروه‌های پزشکی است که درنهایت به دلیل این که بیماران به‌طور مستقیم با پرستاران در ارتباط هستند، گلایه‌های خود را به شکل‌های مختلف بیان می‌کنند.» رئیس شورایعالی سازمان نظام پرستاری معتقد است که بیماران در بخش‌های اورژانس بدلیل شرایطی که دارند، از نظر روحی نیز به هم ریخته هستند و انتظار دارند در کمترین زمان به آنها رسیدگی شود، به همین خاطر هم در صورت تأخیر، واکنش نشان می‌دهند، معمولا انتظارهای آنهایی جاست، به همین خاطر باید در این زمینه از طریق رسانه‌ها به مردم آموزش‌های لازم داده شود. جعفری به تأمین نیروهای حفاظتی در بیمارستان‌ها هم تأکید می‌کند، به اعتقاد او اگر نیروهای حفاظتی در بیمارستان‌ها به صورت همیشگی مستقر باشند، شاید کمتر این اتفاق‌ها رخ دهد. «در کنار این موضوع باید سیستم ورود و خروج افراد به اورژانس‌ها کنترل و محدود شود.» با همه اینها جعفری تأکید می‌کند که بیشترین خشونت‌هایی که علیه پرستاران اتفاق می‌افتد، کلامی است و حدود یک‌سوم از خشونت‌ها هم منجر به درگیری‌های فیزیکی می‌شود. «باید به پرسنل بیمارستان آموزش‌های لازم داده شود، آنها باید بدانند که در این مواقع چه واکنشی نشان دهند، این بخش به مدیریت بیمارستان مربوط می‌شود، از سوی دیگر، اگر هم سیستم پرستاری یا پزشکی مرتکب خطایی شده باشد، باید برخورد لازم با آنها صورت گیرد.» او به وضع شکایت پرستاران از بیماران و همراهان آنها هم اشاره می‌کند. «متاسفانه در سال گذشته موارد خشونت علیه پرستاران کم نبود، برخی از آنها از سوی بیمار و همراه و برخی از سوی خود پرسنل بیمارستان بود که نگران کننده است، با این همه معمولا پرسنل شکایت برابر خط فقر هستند و به این که با این همه لازم است شرایط تأمین امنیت جلی و حتی روحی پرستاران در مراکز درمانی فراهم‌شود.»

نگاه

لهجه، حق غیرقابل انکار شهروندی

احمدرضا دالوند

درباره اهمیت لهجه، همین بس که لهجه و گویش محلی یکی از میراث‌های ماندگار در فرهنگ هر جامعه، قوم و ملت محسوب می‌شود و از جمله حقوق غیرقابل انکار شهروندی است. میرائی ناملموس که به صورت فیزیکی قابل رؤیت نیست تا ماندند بلوط زاگرس یا دریاچه ارومیه و تالاب هامون و... تخریب‌شان را با چشم ببینیم. برخی از سریال‌های بی‌محتوایی که عمدتا خنده در متن آنها نشان از جلف بودن دارد، از جمله سریال «هرحالیه»، از همان ابتدا، محور خوشمزگی‌هایش را بر آن بنا نهاده است، چیزی جز بکارگیری نوعی لهجه بی‌سروته که ترکیبی از چند گویش را با مسخرگی درهم می‌آمیزند، در چنته ندارند. همچنین با واژه‌سازی‌های مخرب و دست انداختن مردمان نواحی و روستاییان و شهرستانی‌ها برلبه تیغ حرکت می‌کنند. هر لهجه بومی، ثروتی فراتر از نقش قالی و گلیم، و پشتوانه زبانی اکتشاف‌نشده‌ای است که با چنین تولیداتی شناخته‌ناشده‌محلال آن هستیم. نگاهی به فرهنگ لغات فارسی ببندازید بی‌شمار واژگان می‌بینید که در مقابل آنها حرف «ع» به معنای ریشه عربی واژه و یا حرف «ف» به معنای ریشه فرانسوی واژه است. درحالی که بی‌شمار واژگان در لهجه‌های متروک مانده این سرزمین وجود داشته که غافلانه از ذهن و زبان ما کنار گذاشته شده‌اند و آنچه هست نیز مورد یورش اینچنینی قرار می‌گیرد. در این میان لطمه به حتی یک «کلمه»ای رخ دهد، صدمه‌ای غیرقابل برگشت است. زبان مثل درخت نیست که در صورت خشک شدن، بشود دوباره آن را کاشت و پس از مدتی ثمر دهد. زبان از درازنای تاریخ و فرهنگ عبور نکرده که با بی‌مبالاتی مورد تمسخر و لودگی قرار بگیرد. مصداق چنین فاجعه‌ای را بارها دیده‌ایم، هنگامی که از یک شهرستانی می‌پرسند کجایی هستی؟ اغلب، پاسخ واضح و سراست نمی‌دهد و در نوعی گمگشتگی بی‌تقصیر، با پرهیز از پاسخ، نوعی بیست سوالی غم‌انگیز را می‌اندازد و سوال را با سوال پاسخ می‌دهد، و یا در غیر این صورت، با هیجان و غیرت غیرعادی و غیرضرور، به شهروند پاسخ به شدت افتخارمی کند.

شرم از دهاتی بودن یا شهرستانی بودن از کجا ریشه می‌گیرد؟ اتفاقا طرح جامعه‌شناسانه این معضل در پرداخت سناریو برای نمایش‌های تلویزیونی، از هر کتاب و همایش و کنگره‌ای کارساز تر است. شاید دلایل زیادی در چیستی این شرم و این گمگشتگی دخیل باشد، اما بی‌تردید ساخت سریال‌هایی که تمسخر لهجه‌ها محور و چاشنی آنهاست، حتماً یکی از آن دلایل متعدد است. در چنین نگاهی است که باید در کنار تولید طنز تا سرحد خلاقیت و تسری خنده تا عمق جان مخاطبان، ظرایف بسیاری را نیز در نظر گرفت. لذا وقتی طرح و ایده و خلاقیت در کار نباشد، آنگاه به تعبیری، خوانده شدن و بازیگری و کارگردانی کاری ندارد که! یک دوربین را در اتاقی می‌کاری، چند نفری جلوی دوربین شروع به لیجارگویی می‌کنند و هر جا هم تیق زدند به‌عنوان دسر، بعد از اتمام هر قسمت، هی تکرارش می‌کنی. رسانه ملی هم ظاهرا فرض را بر این قرار داده که‌ای ملت! این‌ها همان کسانی هستند که نه در شبکه خانگی و با صرف هزینه و خرید سی دی، بلکه مجانی هرشب از برایتان خنده‌دو نشاط میاره...

بی‌توجه به این روبکرد خطرناک که همه شخصیت‌های گم سواد، مسخره و عقب افتاده این سریال‌ها عمدتا در نقش شهرستانی‌ها یا روستایی‌ها ظاهر می‌شوند و با لهجه حرف می‌زنند، اما موضوع وقتی بیشتر زننده به نظر می‌رسد که این معنا القا شود که افراد باسواد، مرتب و خوش لباس و با فرهنگ، به لهجه پایتخت حرف می‌زنند، و این مسأله را القا می‌کند که لهجه تهرانی لهجه معیار است، و با این ناشی‌گری‌ها است که ندانسته به حقوق شهروندی تعدی می‌کنند.

خبر

سد شفارود ۳۰۰ هکتار جنگل هیرکانی را نابود می‌کند

شهروند| سازمان حفاظت محیط‌زیست با احداث سد شفارود در استان گیلان به علت نابودی حدود ۳۰۰ هکتار جنگل هیرکانی مخالف است و اکنون کمیته‌ای تخصصی درحال بررسی این پروژه است. سعید متمندی، معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست با اعلام این مطلب به ایرنا افزود: بعد از بررسی‌های انجام‌شده در زمینه ساخت سد شفارود در استان گیلان، مشخص شد ایجاد این سد در کمترین حالت ۲۰۰ هکتار و در بیشترین حالت بیش از ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های منطقه را نابود می‌کند. او بابیان این که بر این اساس سازمان حفاظت محیط‌زیست با احداث آن مخالفت کرده است گفت: قطعا انجام این پروژه تخریب‌های محیط‌زیستی بیشتری به همراه خواهد داشت و موجب قطع شدن هزاران اصله درخت کمیاب در منطقه می‌شود. جنگل‌های کاسپینی- هیرکانی یک زیست منطقه در زیست بوم جنگل‌های پهن برگ حاشیه جنوبی دریای خزر به مساحت ۵۵ هزار کیلومتر مربع است که در حاشیه جنوبی و جنوب غربی دریای خزر در دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان است.

گزارش

مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور:

افغان‌ها تنها در ۱۴ استان اجازه حضور دارند

همه اتباع خارجی بیمه سلامت می‌شوند

شهروند| مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور از بیمه سلامت همه اتباع خارجی مانند ایرانی‌ها خبر داد. احمد محمدی‌فر در یک نشست خبری با اشاره به وجود یک‌میلیون و ۵۰۰هزار نفر تبعه افغان به صورت قانونمند در کشورمان گفت: «این افراد در قالب پناهنده یا اقامت موقت در جمهوری اسلامی ایران حضور دارند و به کار، اشتغال و زندگی می‌پردازند.»

او ادامه داد: «۳۶۰هزار نفر دانش‌آموز تبعه افغان در مدارس کشورمان درحال تحصیل هستند و از خدمات و مزایای تحصیلی که برای سایر هموطنان کشورمان پیش‌بینی شده است بهره‌مند هستند و در برخی موارد برای خانواده‌هایی که به لحاظ مالی توانایی لازم را ندارند، بیش از خدمات معمول تسهیلات در نظر گرفته می‌شود.» به گفته محمدی‌فر، درحال حاضر ۱۲ هزار دانشجوی تبعه افغان در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل هستند و همچنین از ابتدای فرآیند قانونمندشدن حضور اتباع در کشورمان حدود ۱۷ هزار نفر از دانشگاه‌های مختلف کشور فارغ‌التحصیل شدند. این درحالی است که علاوه بر این تعداد ۱۲ هزار نفر از طلاب افغان نیز در حوزه‌های علمیه و تحت پوشش جامعه‌المصطفی هستند. مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور درباره ارایه کارت پایش اتباع خارجی گفت: «۳۶۰هزار کارت اشتغال یا مجوز اشتغال درحال حاضر صادر شده که با مجوزهای صادر شده و وزارت کار این اتباع می‌توانند در کشورمان مشغول به کار شوند. همچنین از ابتدای سال ۱۳۹۰ تاسال گذشته یعنی ظرف مدت سه سال تعداد قابل توجهی از اتباع افغان که به صورت غیرمجاز در کشورمان حضور داشتند دستگیر و از مرزهای کشور طرد شده‌اند.» محمدی‌فر ادامه داد: «در حال حاضر در ۲۹ اردوگاه که در سطح ۱۳ استان این اردوگاه‌ها دایر شده‌اند از پناهندگان با کمک و مجامع بین‌المللی حمایت می‌شود و این پناهندگان در این اردوگاه‌ها اسکان داده شده‌اند.» به گفته محمدی‌فر، هر ساله حدود ۳۰۰ هزار نفر از اتباع غیرمجاز در کشور دستگیر و از مرزهای کشور طرد می‌شوند. مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور درباره حضور اتباع افغان به صورت مجاز در استان‌های کشور گفت: «در ۱۴ استان مجوز حضور اتباع افغان صادر می‌شود و این افراد می‌توانند به صورت قانونی در این ۱۴ استان حضور داشته باشند. ولی سایر اتباع افغان که به صورت غیرمجاز در کشور ساکن هستند در هیچ یک از استان‌های کشور نمی‌توانند مستقر شوند. درحال حاضر نیز آمارهای متفاوتی از تعداد اتباع افغان غیرمجاز وجود دارد اما رقمی حدود ۵۰۰هزار نفر پیش‌بینی می‌شود.» محمدی‌فر درباره هزینه تحصیل فرزندان اتباع خارجی در ایران هم گفت: «وزارت آموزش و پرورش کمک هزینه‌های تحصیلی را از هموطنان کشورمان دریافت می‌کند و همین کمک هزینه‌های تحصیلی نیز از اتباع خارجی دریافت می‌شود، اما برای خانواده‌هایی که توانایی مالی مناسبی ندارند، براساس مصوبات ابلاغ شده که در ۱۲ گروه عدم توانایی مالی آنها تعریف شده، این کمک هزینه‌های تحصیلی دریافت نمی‌شود. وزارت آموزش و پرورش نیز موظف به اجرای این مصوبات است.» مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور با اشاره به ثبت ۱۱۶۰ مجوز ازدواج درسال ۹۳ در داخل کشور ادامه داد: «مجوز این ازدواج‌ها پس از بررسی و احراز اطمینان از صلاحیت اتباع صادر شده است. علاوه بر این تعداد ۷۷۳ فقره ازدواج نیز در خارج از کشور میان اتباع خارجی و زنان ایرانی به ثبت رسیده است.» محمدی‌فر گفت: «برخی از اتباع گمان می‌کنند اگر با زنان ایرانی ازدواج کنند می‌توانند تابعیت ایرانی دریافت کنند. قطعا چنین چیزی امکانپذیر نیست و ازدواج مردان با تابعیت غیرایرانی با زنان ایرانی موجب نمی‌شود که آنها بتوانند تابعیت ایرانی دریافت کنند. دریافت تابعیت ایرانی یک فرآیند طولانی است و برابر قانون چنین اتفاقی می‌افتد حتی تولد فرزندان چنین ازدواج‌هایی موجب دریافت تابعیت ایرانی نیست و تنها فرزندان آنها پس از رسیدن به سن قانونی (۱۸ سالگی) اگر درخواست تابعیت کشورمان را داشته باشند، برابر قانون به درخواست آنها رسیدگی می‌شود.»

یادداشت

رتبه‌بندی معلمان و مناظره در صدا و سیما

مهدی بهلولی*| «با لایحه نظام رتبه‌بندی معلمان باعث ارتقای کیفیت نظام آموزش و پرورش کشور خواهد شد.» آیا اجرای این طرح در کشور، افزایش رضایت شغلی و حرفه‌ای فرهنگیان را به دنبال خواهد داشت؟» این دو پرسش، موضوع نخستین برنامه «مناظره» صداوسیما در سال ۹۴ است که فردا ۲۸ فروردین ساعت ۱۶:۳۰ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. لایحه رتبه‌بندی معلمان، نزد کسانی که رخدادهای جهانی آموزش و پرورش را پی می‌گیرند، برنامه ناآشنایی نیست. رتبه‌بندی معلمان و روح چیره بر آن، با نام و عنوان‌های گوناگون و با اندازه‌های متفاوت سال‌هاست که در برخی کشورهای جهان به اجرا در آمده‌است. در این لایحه فرار است براساس امتیازهایی که آموزگاران به دست می‌آورند- از آن میان مدرک تحصیلی، کتاب‌ها و مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که منتشر می‌کنند- حقوق‌های گوناگون دریافت کنند. این برنامه بیشتر، در آن نوع از مدیریت آموزشی مطرح می‌شود که اولویت کار خود را بر ایجاد رقابت در آموزش و پرورش، به‌ویژه میان آموزگاران، قرار می‌دهد. رتبه‌بندی معلمان، به‌ویژه تأکید بر آن و در اولویت گذاشتنش، بیشتر نزد سیاست‌گذاران آموزشی و مدیرانی گیرایی دارد که راه بهسازی آموزش و پرورش را در خصوصی‌سازی یا پولی‌سازی آموزش و پرورش و گسترش برنامه‌های آن می‌دانند. این لایحه را می‌بایست در گستره وسیع‌تری دید. گسترای که در آن، برای نمونه، طرح واگذاری مدرسه‌های دولتی به بخش خصوصی و خرید صندلی‌های خالی مدرسه‌های پولی نیز مطرح است. اما مسأله مهم این است که پژوهش‌های جهانی نشان نمی‌دهند که بتوان با این رویکرد به پیشرفت آموزشی راستین رسید. یکی از پایه‌ترین کتاب‌های آموزشی مهمی که در آمریکا در سال ۲۰۱۴ منتشر شده کتاب «پنجاه افسانه دروغی که مدرسه‌های دولتی آمریکا را تهدید می‌کنند» نام دارد. عنوان افسانه دهم کتاب این است: «حقوق امتیازی آموزگار، عملکرد دانش‌آموز را بهبود می‌بخشد.» در توضیح این افسانه آمده: «همه این استدلال این است که حقوق امتیازی یا همان merit pay یا پرداخت حقوق براساس امتیاز، شیوه خوبی است برای افزایش عملکرد آموزگار... در صورتی که اندازه‌گیری کارآیی آموزگار، بسیار دشوار است و هیچ پیمانه ساده‌ای کارآمد نمی‌تواند این اندازه‌گیری را انجام دهد. هیچ گواهی در دست نیست که حقوق امتیازی با عملکرد بهبود یافته دانش‌آموز، در پیوند باشد اما شواهد نیرومندی وجود دارد که پایه‌گذاری دستمزد آموزگاران بر بنیاد عملکرد دانش‌آموزان خلاف را و از نظر اخلاقی نادرست است. حقوق امتیازی، اغلب، آموزگاران و مدرسه‌ها را بر بنیادهای اقتصادی‌اجتماعی- اقتصادی مجازات می‌کند که آنان بر کنترل‌شان هیچ نقشی ندارند.» این طرح در شرایط کنونی ایران و دستمزدهای سخت زیر خط فرهنگیان، نمی‌تواند به ایجاد انگیزه آنان کمکی کند. بیشتر فرهنگیان به دنبال دریافت حقوقی دست کم برابر خط فقر هستند و به این که با این همه لازم است میان خود، به اندک افزایش حقوقی دست یابند.

***آموزگار و کنشگر صنفی**

جدول شماره ۵۴۱

افقی

۱- از صفات خداوند به معنی برآورنده نیازها- زخم زدن
۲- اقیانوس کبیر- انجام کاری بیش از یک بار- نام قدیمی‌سرزوار
۳- همراه داد به معنی خرید و فروش است- ضمیمه- رمق آخر- ضمیر غایب
۴- فلزرسانا- پایتخت نیجر- فلزسکه
۵- لولین انسانی که پرواز کرد- یادداشت- برس اسب- دخان
۶- در سال‌های دفاع مقدس فرمانده جنگ‌های نامنظم بود- نوعی از اعتبارات اسنادی است که در آن فروشنده کالا به خریدار مهلتی می‌دهد تا بتواند در این فاصله وجه اعتبار را بپردازد- سنجاق طرفل
۷- واحد شمارش فرش- منطقه قرمز تشک کشتی- شبکه وسایت
۸- جنین- گمراهی- اندوهگین متألم
۹- ریشه- سنگ زیرین آسیاب در کشاکش دهر- ایمان و اعتقاد
۱۰- بازی محلی- پایتخت کوبا- به وجود آوردن
۱۱- ایفشان حمام- پرش به جلو- شهر و تیم فوتبالی در فرانسه- نماز یک رکعتی
۱۲- دکان تاجران- دوره‌ها- سه کیلو
۱۳- جسپیدیه سوئلفن- حرف انتخاب- کیسه پول- میوه تلفنی
۱۴- جانشین- زیبا خواندن قرآن- شیشه و آبگینه
۱۵- نی زدن- یکی از برنامه‌های مهم پلیس برای کنترل جاده‌های پر تردد کشور

عمودی

۱- فرزند حضرت امام حسن(ع)- نویسنده چیره‌دست انگلیسی و خالق اثر دویدکاپر فیلد
۲- نقاشی کردن- رودی در چین- نیکویش ماندنی است
۳- تلفظ حرف «ض»- آواز جاهلیت نماز- خسیس- مسلوی
۴- دریا- زندان- جای پول در لباس
۵- عدد هندسی- بدبو- نوعی خاک‌رس
۶- سدی در تهران- گربه وزاری- کنسروماهی
۷- منسوب به حکومت- ازابزار بنایی- هنر فرنگی
۸- کفش پاشنه بلند روسی- حرکت باد یا نسیم- نوعی میمون
۹- از علامات جمع در فارسی- از شاعران معاصر- شهر واستانی به همین نام
۱۰- صد مترمربع- ردوالز- غذای مورد علاقه شتر
۱۱- گازتبلیغاتی- بازنده شطرنج- از خواهران نوبسنده انگلیسی
۱۲- مخزن سوخت- ساکت و خاموش و بی‌رونق- پنج آذری
۱۳- پادگان تهران- دشمن سخت- مخلوط شوره (نیترات پتاسیم)، زغال، و گوگرد که خاصیت انفجاری دارد- درد و رنج
۱۴- آزاد- پرحرفی- حروف ادغام در عربی
۱۵- احترام به آن یکی از اصول روابط اجتماعی افراد در جامعه است- عمل تبدیل فولاد به کالاهای قابل مصرف
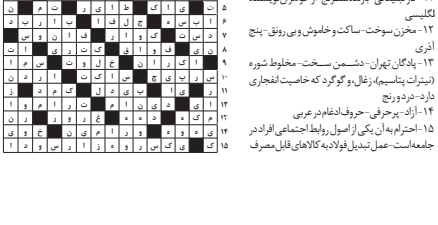
حل جدول شماره ۵۴۰